

## ایران و آذربایجان، همکیشان غیرمتحد

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :  
رضا حجت شمامی(به نقل از ایراس)

### مقدمه

روابط ایران و آذربایجان طی سال های پس از فروپاشی شوروی فراز و فرودهای مختلفی را تجربه کرده و به رغم برخی اختلافات، مقامات دو کشور در مقاطع مختلف بر بایستگی توسعه همه جانبه روابط تأکید کرده اند. در همین راستا بود که چندی پیش «المار محمد یاروف»، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان طی سفری به ایران با مقامات سیاسی کشورمان دیدار و مسائل دوجانبه و منطقه ای را با آنها در میان گذاشت و در نهایت نیز با امضاء چند قرارداد به مقصد باکو بدرقه شد. «منوچهر متکی» پس از دیدار با «محمد یاروف» در نشست خبری ابراز امیدواری کرد که مقامات دو کشور زمینه ای را برای «هدایت روابط دو جانبه در مسیری استراتژیک» فراهم کنند. وی همچنین تأکید کرد که «ما و آذربایجان در نظر داریم، نه صرفا در سطح دوجانبه، بلکه در سطح منطقه ای، ارتباطات مان را گسترش دهیم.» (1) در این نوشتار ضمن تأملی بر مفهوم «روابط استراتژیک»، پیوستی و چگونگی روابط تهران-باکو از این منظر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### تأملی بر مفهوم «روابط استراتژیک»

جدای از اینکه «روابط استراتژیک» بین دو کشور چه معنای پرباری می تواند داشته باشد و اینکه آیا جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان به شکل بالقوه یا بالفعل این امکان را دارند که تبدیل به متحدانی استراتژیک شوند، باید به دنبال پاسخ این پرسش بود که چرا در ماه های اخیر باکو به سمت ایران گرایش پیدا کرده و علاقه مند شده است به تهران چراغ سبز نشان دهد؟ چه اتفاقی در سطح منطقه رخ داده است که کشوری با معیار سیاسی «جدایی دین از سیاست» تمایل دارد به جمهوری اسلامی ایران با شعار «سیاست عین دیانت» نزدیک شود؟

آذربایجان نه تنها سعی دارد نشان بدهد در حال بازسازی روابط خود با ایران است بلکه با روسیه نیز بر سر مسائل مهم سیاسی &ndash; اقتصادی پشت یک میز می نشیند. این در حالی است که باکو از بدو استقلال خود در سال 1991 گرایشات غربگرایانه داشته است. حال چرا علاقه مند است نشان بدهد به سیاست شمالی &ndash; جنوبی رو آورده است؟ البته ناگفته نماند باکو هنوز به شکل کاملا آشکار به این سیاست پناه نیاورده است. ولی رفتارهای خاصی را که در چندماه اخیر از خود بروز داده گویای این مطلب است که خواهان ارائه یک طعنه سیاسی به غرب است. شاید بزرگ ترین نمود این رفتار را بتوان در قرارداد و توافقات اخیر گازی روسیه &ndash; آذربایجان عنوان کرد. بر اساس این توافقات که بین دو شرکت روسی «گازپروم» و آذری «سوکار» به عمل آمد، آذربایجان از ابتدای سال میلادی جدید سالانه 500 میلیون متر مکعب گاز به روسیه صادر می کند که در آینده به حجم آن افزوده خواهد شد. (2)

این در حالی است که آذربایجان یکی از مهمترین کشورهای دارنده گاز کافی برای حمایت از طرح آمریکایی &ndash; اروپایی نوباکو است. اما با چنین قراردادی نه تنها تمایل خود را برای شراکت در نوباکو کمرنگ، بلکه دست دوستی خود را به سمت مسکو که از هر ابزاری برای عقیم ماندن این پروژه گازی بهره می گیرد، دراز کرد. باکو حتی به دلیل تحولات منطقه ای پیش آمده در چند ماه اخیر بخصوص پیمان صلح میان آنکارا &ndash; ایروان که در دانشگاه زوریخ سوئیس و با حضور برخی مقامات کشورهای جهان از جمله هیلاری کلینتون، برنار کوشنر، سرگی لاوروف وزرای امورخارجه آمریکا، فرانسه و روسیه و همچنین خاویر سولانا مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا امضا شد، تهدید کرده است که معاملات گازی خود را با ترکیه قطع کرده و پیشنهاد های آنکارا برای ارسال گاز به اروپا را نمی پذیرد. (3)

### توافق گازی یا ناز سیاسی

همزمان با حضور وزیر امور خارجه آذربایجان در تهران خبر انعقاد قرارداد گازی بین ایران و آذربایجان منتشر شد که می تواند پروژه گرایشات شمالی &ndash; جنوبی آذربایجان را تکمیل کند. اگر چه آغاز صادرات 5 میلیون فوت مکعب در روز گاز طبیعی آذربایجان به ایران که قرار بود اول ژانویه 2010 آغاز شود به زمانی دیگر موکول شد. (4) اما وجود چنین قراردادی جدای از معانی خاصی که می تواند برای ایران به همراه داشته باشد نشان دهنده فاصله گرفتن باکو از نوباکو، ترکیه، اروپا و آمریکا است. اما چرا چنین اتفاقی رخ می دهد؟ آیا آذربایجان نگاه استراتژیک خود را به طور کامل تغییر داده است یا تنها در حال ارائه یک بازی سیاسی با گرایشات خاص است تا بار دیگر توجه غرب را به سمت خود جلب کند؟ اگر چه چنین رفتاری بیش از همه در دوران جنگ سرد جواب می داد اما هنوز می تواند به عنوان یک تاکتیک موثر به کار برود. مثل همان رفتاری که در حال حاضر ترکیه برای جلب توجه غرب بویژه اروپا انجام می دهد.

حضور دولتی اسلام گرا در ترکیه، توافق نیم بند این کشور با ارمنستان بر سر مساله کشتار ارامنه در جنگ جهانی اول و حمایت پیدا و پنهان غرب از ایروان بر سر مناقشه قره باغ باعث شده است که آذربایجان به تاکتیک «ناز سیاسی» مبادرت ورزیده و با تمایل به سمت ایران و روسیه به آمریکا و اروپا گوشزد کند که می تواند راه دیگری غیر از غرب را انتخاب کند. اما گذشته از تعاملات و تحولات منطقه ای، موانعی بر سر راه ایران و آذربایجان وجود دارد که نشان میدهد روابط این دو کشور تا آینده قابل پیش بینی نه می تواند به روابطی در سطح بالا و نه آنچه که وزیر امور خارجه ایران از آن به عنوان زمینه ای برای روابط استراتژیک یاد کرد، منجر شود.

### موانع روابط استراتژیک تهران - باکو

برای دو کشور ایران و آذربایجان زمینه های زیادی برای برقراری روابط در سطح بالا وجود دارد که از میان آنها می توان از همسایه و هم مرز بودن، مسلمان و شیعه بودن، همگونی تقریبی ساخت اجتماعی و فرهنگی به دلیل اینکه در گذشته زیر مجموعه یک ساخت سیاسی بوده و از پیشینه تاریخی مشترکی برخوردار بوده اند اما بر اثر تحولات منطقه ای از یکدیگر جدا شدند و مسائل دیگری مثل منطقه نخجوان آذربایجان که از خاک آذربایجان دور افتاده و به مرزهای ایران و ارمنستان محدود است، نام برد. نخجوان در حال حاضر نیز میبایست خود را از ایران تامین می کند.

با این اوصاف مواردی وجود دارد که اجازه نمی دهد دو کشور همسایه روابط خود را به سطح استراتژیک ارتقاء دهند. ابتدا اینکه در حال حاضر ساخت سیاسی آذربایجان از لایه های غیرمذهبی بنا شده است و بر اساس همان تئوری اداره می شود. این مساله باعث شده تا به ساخت سیاسی غرب، بویژه ایالات متحده آمریکا نزدیک شود. دولت مردان آذری برای رسیدن به مرزهای توسعه بیش از همه چشم به افکار و اعمال آمریکا، اروپا و حتی ترکیه دوخته اند. اختلاف روشی اخیر بین آذربایجان و ترکیه را نیز می توان در گرایشات جدید اسلام گرایانه و شرق نگرانه آنکارا در دولت «رجب طیب اردوغان» به عنوان رهبر «حزب اعتدال و توسعه» جستجو کرد که با بازگشت شخصیت های لائیک به بدنه اجرایی و سیاسی ترکیه اوضاع به حالت اولیه خود بازخواهد گشت. زیرا الگوی منطقه ای ساخت سیاسی آذربایجان ترکیه لائیک است.

اگر چه صرف غیرمذهبی بودن ساخت سیاسی آذربایجان را نمی توان بهانه ای برای پایین بودن سطح روابط دو کشور ایران و آذربایجان تلقی کرد اما نزدیکی این کشور به غرب و حرف شنوی آن از کشورهای نامبرده می تواند در روابط دو کشور همسایه تاثیر منفی بگذارد. از سوی در سال های اخیر مقامات آذری به شدت به اسراییل نزدیک شده و با آن

روابط بسیار خوبی برقرار کرده اند به گونه ای که اسرائیل توانسته سفارتخانه خود را در این کشور تاسیس کرده و در منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی جای پای خود باز کند. نوع روابط آذربایجان و اسرائیل و نزدیک شدن تل آویو به مرزهای ایران می تواند شبهات زیادی را ایجاد کند که اولین آن مهیا کردن فضایی برای اسرائیل به منظور کسب اطلاعات مورد نیاز از داخل خاک ایران و همچنین نزدیک شدن به حاشیه های امنیتی ایران در کنار مرزهایش است. مساله بعدی که می توان به عنوان مانعی بر سر راه روابط حسنه ایران و آذربایجان قرار بگیرد نوع نگاه برخی از دولتمردان، احزاب و شخصیت های سیاسی آذربایجان است که به شکل آشکار و پنهان از «آذربایجان بزرگ» سخن به میان می آورند که آذربایجان ایران را نیز دربر می گیرد. حتی مسئولان سیاسی و آموزشی جمهوری آذربایجان با گنجاندن چنین مطالبی در منابع درسی دانش آموزان، در حال پروراندن نسلی آذری هستند که چنین ادعایی را در ذهنشان نهادینه کنند. این موضوع همزمان با حضور وزیر امور خارجه آذربایجان در ایران بر روی خروجی خبرگزاری های داخلی قرار گرفت. (5) اگر چه همزمانی انتشار این خبر با سفر «المار محمد یاروف» بیشتر يك شیطنت و رقابت سیاسی داخلی بود اما صرف وجود چنین مساله ای بیشتر به يك جنگ فرهنگی و زیرپوستی شبیه است که می تواند در روابط دو کشور تأثیر بسیار منفی بگذارد. خزر و اختلافات موجود درباره رژیم حقوقی این دریاچه یکی دیگر از زمینه های اختلاف نظر بین دو کشور است که حتی می تواند در آینده شعله اختلافات و تفاوت های رفتار منطقه ای بین تهران و باکو را بالا ببرد. در واقع آذربایجان در میان کشورهای تازه به استقلال رسیده از شوروی سابق، اولین کشوری بود که خواستار تقسیم کامل دریای خزر بر خلاف تعهدات پیشین عهدنامه های 1921 و 1940 شد. (6)

#### نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با وجود اشتراکات عمیق تاریخی، فرهنگی و اجتماعی به دلیل تفاوت در رویکردهای سیاسی نمی توانند به راحتی دست کم در آینده ای نزدیک و قابل پیش بینی به دوستان استراتژیک برای یکدیگر تبدیل شوند. غرب در این زمینه تأثیر بسیار زیادی دارد. در حال حاضر نیز که آذربایجان به سمت ایران گرایش پیدا کرده است تنها به دلیل اقتضاء زمان است که از تاکتیک ناز سیاسی استفاده می کند تا بار دیگر مورد پذیرش آمریکا قرار گرفته و به آغوش آن باز گردد. در این زمینه جمهوری اسلامی ایران نیز نتوانسته است از پتانسیل های موجود استفاده کرده و از آذربایجان متحدی منطقه ای بسازد.

1. منوچهر متکی، نشست خبری مشترک وزیران خارجه ایران و آذربایجان، سایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، 23 آذر 1388

<http://cms.mfa.gov.ir/cms/cms/Tehran/fa/news/239883>

2. امضای قرارداد گازی بین روسیه و آذربایجان، خبرگزاری اکونیز، 23 مهر 1388

<http://www.econews.ir/fa/NewsContent.aspx?id=113296>

### Brian Whitmore, Azerbaijan Could Scuttle Nabucco Over Turkey-Armenia Deal, Radio Free Europe, 19 october 2009

[http://www.rferl.org/content/Azerbaijan\\_Could\\_Scuttle\\_Nabucco\\_Over\\_TurkeyArmenia\\_Deal/1855784.html](http://www.rferl.org/content/Azerbaijan_Could_Scuttle_Nabucco_Over_TurkeyArmenia_Deal/1855784.html)

4. آذربایجان در صادرات گاز به ایران خلف وعده کرد، خبرگزاری اکونیز، 8 دی 1388

[http://www.econews.ir/fa/NewsContent-id\\_118699.aspx](http://www.econews.ir/fa/NewsContent-id_118699.aspx)

5. تحریف تاریخ و ادعاهای جعلی در کتاب های درسی دولت باکو، پایگاه اینترنتی تابناک، 23 آذر 1388

<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=77050>

6. دکتر داوود هرمیداس باوند، نشست تخصصی ایراس: «ناهمسویی منافع در دریای خزر: تهدیدات و فرصت های فراروی ایران»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، 19 دی 1388

<http://iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=8961>